

پائین برگ: الهیات تاریخی

| آلن گالووی | مراد فرهادپور |

PANNENBERG: Historical Theology

| Allan Douglas Galloway | Morad Farhadpour |



فهرست

۷	پیشگفتار مترجم
۳۳	مقدمه. زندگی و آثار
۳۵	فصل اول. انسان شناسی کلامی
۶۳	فصل دوم. وحی به مثابه تاریخ
۷۵	فصل سوم. ایمان و تاریخ
۹۳	فصل چهارم. پس زمینه آخرالزمانی عیسی و پیام او
۱۰۷	فصل پنجم. رخداد و معنای رستاخیز
۱۲۷	فصل ششم. مفهوم خدا نزد یهودیان و یونانیان
۱۴۳	فصل هفتم. تثلیث در توحید
۱۶۳	فصل هشتم. عیسی
۱۸۳	فصل نهم. نتیجه گیری
۱۹۳	منابع و مآخذ

پیشگفتار مترجم

از دوراه می‌توان با نام ولفهارت پانن‌برگ آشنا شد: از طریق مطالعه آثار مربوط به الهیات مسیحی - به ویژه الهیات پروتستان دهه ۱۹۶۰ به بعد - یا از رهگذر قرائت کتاب‌ها و مقالات مربوط به مبحث هرمنوتیک - به ویژه هرمنوتیک فلسفی متأثر از آرای هایدگرو گادامر.

کتاب حاضر به راه نخست تعلق دارد و می‌کوشد توصیفی فشرده و جامع از الهیات پانن‌برگ به دست دهد. این کتاب جزئی از «مجموعه متفکران دینی معاصر» است که هدف اصلی آن، به گفته پروفیسور ه. د. لویس، ویراستار کل مجموعه، ارائه ارزیابی و سنجشی انتقادی از آثار برخی متفکران دینی برجسته و بانفوذ روزگار ماست. طبیعتاً بخش مهمی از مطالب و مضامین کتاب‌های این مجموعه به بحث درباره مفاهیم، مناسک، اصول اعتقادی و آموزه‌های مسیحی اختصاص دارد. به دلیل نسبت خاص الهیات پروتستان با فلسفه عصر جدید، و پیوند هر دو آن‌ها با ذهنی‌گرایی، سنت تفکر دینی پروتستان رفته‌رفته از محتواهای مشخص و انضمامی آموزه‌های مسیحی دور گشته و به انحای مختلف کوشیده است تا این محتواها را در نظام‌های فلسفی غیرتاریخی یا گفتارهای معنوی و دینی کلی‌گرا حل کند. برای بسیاری متألهان لیبرال قرن نوزدهم که از فلسفه و دیدگاه اخلاقی کانت الهام می‌گرفتند، محتوای انضمامی آموزه‌های سنتی مسیحیت در بسیاری موارد معرف خرافه‌پرستی

ضد عقلانی و موجب خجلت و شرمساری بود، در حالی که از دید اخلاق اگزیستانسیالیست آن‌ها، مسئله اصلی کشف معنای نمادین این آموزه‌ها در پس محتوا و شکل «اسطوره‌ای» آن‌ها بود. به دلیل سرشت تاریخی الهیات پان‌برگ، کتاب حاضر در جهت عکس این گرایش عمومی حرکت می‌کند، و بی‌تردید این امر برای خواننده غیرمسیحی دشواری‌هایی به همراه خواهد داشت. در ترجمه فارسی تلاش شد تا با افزودن پانوش‌ها، حتی المقدور، از این دشواری‌ها کاسته شود. البته الهیات پان‌برگ نیز یکسره در تاریخ خلاصه نمی‌شود و مؤلف کتاب نیز کوشیده است تا جنبه‌های فلسفی و متافیزیکی اندیشه او را برجسته سازد. در واقع، بسط توان‌های فلسفی نهفته در آرای کلامی پان‌برگ و تأکید نهادن بر اهمیت و ضرورت کشف بنیادی متافیزیکی برای الهیات او حرف اصلی آلن گالووی و مهم‌ترین انتقاد او از پان‌برگ است. البته این نکته که بعداً بدان خواهیم پرداخت، جای بحث بسیار دارد. در حال، درک درست دیدگاه و روش تاریخی پان‌برگ، مستقل از فهم چگونگی اعمال این روش و نتایج حاصل از آن، ناممکن است. نباید از یاد برد که تفکر تاریخی پان‌برگ نیز نظیر فلسفه تاریخی هگل، مستقیم و غیرمستقیم، ملهم از اندیشه و ایمان مسیحی است؛ پیوند دیالکتیکی الهیات و تاریخ حاکی از جدایی‌ناپذیری بودن این دو سویه متمایز در متن تفکر دینی است. از این‌ها گذشته، معنا و ارزش هرمنوتیک، نهایتاً در همدلی، همدردی و فهم دیگری خلاصه می‌شود. بنابراین، خواننده‌ای که جویای حقیقت است، باید براهین کلامی پان‌برگ در باب تثلیث و تجسد و... را، درست همانند براهین فلسفی او در باب هستی‌شناسی و معرفت و غیره، به دقت دنبال کند.

در یگانه پانوش فصل آخر کتاب، گالووی به سرعت و گذرا به این نکته اشاره می‌کند که سویه هرمنوتیکی اندیشه پان‌برگ را صرفاً غیرمستقیم و ضمنی مورد بررسی قرار داده است، زیرا «تلخیص و توصیف موجز این جنبه از کار او بسیار دشوار است». نحوه بیان این نکته حاکی

از آن است که این عذر و بهانه حتی از دید خود او نیز چندان موجبه نیست. پرداختن به «جنبه هرمنوتیکی» الهیات پان‌برگ - به ویژه تشریح موارد توافق و اختلاف نظر او با هرمنوتیک فلسفی گادامر - قدر مسلم می‌توانست به شناخت بهتر آرای پان‌برگ یاری رساند. نادیده گرفتن این جنبه هرمنوتیکی یکی از عوامل مهم بروز خطاهایی است که در بخش پایانی این مقدمه بدان‌ها خواهیم پرداخت. موضع اصلی گالووی در مورد فقدان زیربنای متافیزیکی نیز عمیقاً متأثر از همین غفلت است. با این همه، نباید از یاد برد که کتاب حاضر جزئی از یک مجموعه است و در این گونه مجموعه‌ها معمولاً حجم کتاب و نحوه ارائه مطالب، از قبل بنا بر اهداف مجموعه و نیاز مخاطبان، تعیین می‌شود. به علاوه، کتاب در سال ۱۹۷۳، یعنی در ابتدای تحول موسوم به «چرخش هرمنوتیکی» و رواج مفاهیم و مباحث مربوط به هرمنوتیک، نوشته شده است. در ادامه این نوشته خواهیم کوشید تا با پرداختن به رابطه الهیات و هرمنوتیک و تحول تاریخی آن، این نقص را حتی المقدور جبران کنیم؛ هر چند که نادیده گرفتن محاسن کتاب گالووی در مقام توصیفی موجز و جذاب از الهیات پان‌برگ که توانسته است در فضایی محدود، بخش اعظم استدلال و موضع کلامی او را با زبانی گویا و رسا بازسازی کند، عین بی‌انصافی است.

هرمنوتیک به لحاظ تاریخی دارای دو سرچشمه متمایز بود: یکی عرفی و دیگری دینی. در هر دو مورد، وجود فاصله تاریخی و نیاز به غلبه بر آن به قصد فهم متون متعلق به گذشته، توسل به هرمنوتیک را ضروری ساخت. برای عصر ژنسانس، مسئله اصلی قرائت و تفسیر و فهم متون به جامانده از عهد باستان و میراث فرهنگی یونان و روم بود. ظهور نهضت اصلاح دینی (رفرماسیون) نیز تفسیر و فهم کتاب مقدس را به مسئله و نیازی حاد بدل ساخت. بدین ترتیب، نیازها و علایق دینی و فرهنگی موجب شد تا از آغاز عصر جدید و جریان با سنت هرمنوتیکی، یعنی هرمنوتیک کلامی و هرمنوتیک ادبی، به موازات و در کنار یکدیگر بسط و تحول یابند. به یقین این دو سنت در طول